

تحلیل جامعه‌شناختی تفسیر مردم از تغییرات جهان زیست خانواده (مطالعه موردی: شهر مریوان)

آکو کهنه‌پوشی^۱

علیرضا کلدی^۲

سیدمحمد سیدمیرزایی^۳

تاریخ وصول: ۹۸/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۹

چکیده

در طول چند دهه اخیر، جهان زیست خانواده ایرانی تحت تأثیر عوامل گوناگون از گونه‌های گذشته‌ی خود متمایز شده است. مطالعه حاضر به بررسی درک معنایی تجارب زیسته مردم از ویژگی‌ها و مشخصه‌های کنونی خانواده می‌پردازد. رویکرد تحقیق حاضر تفسیرگرایی اجتماعی و روش‌شناسی آن مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. داده‌های آن براساس فنون قوم‌نگاری (مشاهده مشارکتی، مصاحبه باز و بی‌ساخت)، براساس منطق نمونه‌گیری هدفمند و نظری در بین ساکنان شهر مریوان گردآوری و بر اساس نظریه زمینه‌ای تحلیل و در نهایت، نتیجه در قالب الگوی پارادایمیک ارائه شده است. هدف عمده این تحقیق بررسی درک و تفسیر تجارب مردم از ویژگی‌ها و خصوصیات خانواده کنونی، آن‌طور که توسط مردم تحت مطالعه تجربه شده است. یافته‌ها شامل ۲۴ مفهوم، ۵ مقوله جزء (ورود عناصر مدرن، پذیرش، تمایلات فردگرایانه، تغییرات ارزشی و ارتقای اجتماعی - اقتصادی)، ۲ مقوله عمده (پدیده نوسازی و خانواده نوسازی‌شده) است. «خانواده در حال گذار» مقوله‌ی هسته نهایی است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده ظهور ویژگی‌های متعددی در جهان زیست خانواده کنونی در جامعه مورد بررسی است. بر اساس درک و تفسیر مردم این جامعه، خانواده تحت تأثیر عوامل سنت‌زدا، از جمله عناصر نوسازی، ویژگی‌های متفاوت و بعضاً متمایز به خود گرفته است.

واژگان کلیدی: خانواده، نظریه‌ی زمینه‌ای، نوسازی، تفسیرگرایی اجتماعی.

۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران.

۲ - استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران. arkaldi@yahoo.com

۳ - استاد گروه جمعیت‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران.

مقدمه

بررسی تغییر و تحول خانواده یکی از مهم‌ترین مسائل دنیای معاصر است، زیرا خانواده از دیرپاترین نهادهای اجتماعی و یکی از بنیان‌های جامعه تلقی می‌شود. بر همین اساس باید در متن جامعه ملاحظه شود و تغییرات آن همراه یا در پی تغییرات جامعه مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. در طی چند دهه اخیر، خانواده، با تفاوت‌های زمانی اندک، تغییرات ساختاری^۱، کارکردی^۲ و معنایی گسترده و ژرفی را تجربه کرده است. آنچه در این دگرگونی اهمیت دارد این است که تغییرات چند دهه اخیر، وسیع‌تر و گسترده‌تر از تغییرات آن در گذشته است. از یک سو خانواده کوچک‌شده و از سوی دیگر با اشکال جدیدی از خانواده مواجهیم که این کوچک‌شدن نه فقط ساختاری، بلکه کارکردی نیز بوده است، به طوری که خدماتی که این نهاد در گذشته ارائه می‌کرده است، اکنون از آن فاصله گرفته و به دیگر نهادهای اجتماعی واگذار شده است. به عبارت دیگر هرچه بر وسعت و ابعاد جامعه افزوده شده، از وسعت و ابعاد خانواده کاسته شده است، اما با این حال، «خانواده همچنان به مثابه پدیده‌ای مقاوم و نیز انطباق‌پذیر خودنمایی می‌کند.» (سگالن، ۱۳۸۵: ۱۳). بسیاری از صاحب‌نظران، تغییر و تحولات خانواده در جوامع در حال توسعه را عمدتاً ناشی از عوامل و عناصر تحول‌زای متفاوتی می‌دانند که امروزه تحت عنوان نوسازی^۳ مطرح است. «این نوع دگرگونی در کشورهای غربی و صنعتی بسیار پیشروی کرده‌اند و در حال جهانی شدن هستند» (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۳). «جایگزینی نظام‌های حمایتی، اشتغال زنان و بهبود وضعیت آنان، افول خانواده گسترده، گسترش خانواده هسته‌ای، تغییر نگرش به نقش‌های جنسیتی، کاهش تعداد فرزندان، گرایش به کاهش باروری، بالا رفتن سن ازدواج، تکریم فرزندان^۴، افزایش آمار طلاق و غیره» (ساروخانی، ۱۳۸۵: آفاجانی‌مرساء، ۱۳۸۷: ۱۵) از جمله این تغییرات هستند. گستره جغرافیایی این دگرگونی‌ها وسیع است و می‌توان گفت که «این تغییرات در الگوهای خانوادگی مختص کشورهای غربی نیست، بلکه تا حدودی جهان‌شمول بوده و در بسیاری از جوامع اتفاق افتاده است» (شیخی، ۱۳۸۷: ۵۳). «ویلیام گود^۵ معتقد است که خانواده در سراسر دنیا با چنین تغییراتی در ابعاد گوناگون روبرو شده است و الگوهای مشترکی از تغییر در بسیاری از کشورها و مناطق مختلف به وقوع پیوسته است» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۹). او از این تغییرات با عنوان «انقلاب جهانی^۶ یاد می‌کند (گود، ۱۹۶۳).

نکته حائز اهمیت، این است که گاهی به علت تفاوت و تمایزهای میان فرهنگی، این تغییرات دارای ماهیت نسبتاً متفاوتی هستند، بر این اساس می‌توان گفت وضعیت خانواده در ایران نیز متأثر از عوامل

- 1- Structural
- 2- Functional
- 3- Modernization
- 4- Prized Child
- 5- William good
- 6- Word revolution

تغییرزای خانواده بوده است و به نظر می‌رسد که بخشی از تغییرات کلی مشاهده‌شده در ساختار خانواده در جوامع پیشرفته در ایران نیز به وجود آمده‌است. به عبارت دیگر جامعه ایران نیز شاهد دگرگونی‌های اجتماعی ژرفی، ناشی از سیاست‌های مبتنی بر مدرن‌شدن و تغییرات فرهنگی ناشی از آن است. «خانواده ایرانی تحت تأثیر عناصر نوسازی از جمله؛ شهرنشینی، اقتصاد صنعتی، توسعه شبکه حمل‌ونقل، توسعه نظام اداری، بهداشت مدرن، نظام آموزشی مدرن و توسعه وسایل ارتباط جمعی، تغییراتی را در ابعاد ساختاری و کارکردی خود تجربه کرده‌است.» (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۶۹). بر همین مبنا، این تحقیق با اهمیت شمردن شناخت فرآیند و پیامدهای گفتمان نوسازی در تاریخ معاصر ایران، با اتخاذ رویکردی رهیافت تفسیرگرایی^۱ و با نگاه از درون (امیک^۲) و بر مبنای تحقیق میدانی^۳ به بررسی تفسیر^۴، درک و فهم تجربه زیسته‌ی مردمان جامعه مریوان^۵ از ویژگی‌ها، خصوصیات و ابعاد خانواده کنونی می‌پردازد. از این رو درصدد هستیم بدانیم که نهاد خانواده در مواجهه با عناصر مدرن و همزیستی با آنان در چند دهه اخیر، چه ویژگی‌هایی به خود گرفته و تجربه نموده است؟ و مهم‌تر این که افراد جامعه مورد بررسی، این ویژگی‌ها و خصوصیات را چگونه درک، تفسیر و معنا می‌کنند؟ بدین ترتیب هدف اصلی پژوهش حاضر این است که به دو پرسش ذیل پاسخ دهد. درک و تفسیر افراد جامعه بررسی‌شده از ویژگی‌ها، خصوصیات و ابعاد خانواده کنونی چگونه است؟ افراد جامعه مورد مطالعه، این ویژگی‌ها و خصوصیات را ناشی از چه عواملی می‌دانند و این عوامل را چگونه درک، تفسیر و ارزیابی می‌نمایند؟ هدف دیگر این است که چنانچه مکانیسم و چگونگی تفسیر و نظام معنایی^۶ مشترک افراد این جامعه از نظام خانواده و مؤلفه‌های آن درک شود، نه تنها می‌توان فهم انسان‌ها از این نهاد اجتماعی مهم را شناخت، بلکه می‌توان خانواده و تغییرات آن را با دقت و حساسیت فرهنگی بالاتری دنبال، رصد و کنترل نمود.

بررسی یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور با عنوان ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، مبین اهمیت و جایگاه نهاد خانواده از دیدگاه مردم ایران است. در پاسخ به این سؤال که نهاد خانواده برای شما چقدر اهمیت دارد؟ نتایج نشان داد که اهمیت خانواده در ایلام ۹۸/۲ درصد، در اصفهان ۹۶/۲ درصد، در اراک ۹۷/۶ درصد، در اردبیل ۹۷/۱ درصد، در کردستان ۹۸/۳ درصد، در ارومیه ۹۷ درصد و در اهواز ۹۸/۲ درصد بوده است (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)، در نتیجه به دلیل اهمیت و جایگاه نهاد خانواده مطالعه و بررسی ساختار و ویژگی‌های آن، به‌ویژه درک تفاسیر و میان‌ذهنی^۷ افراد

-
- 1- Interpretivism
 - 2- Emic
 - 3- Field Research
 - 4- Interpretation
 - 5- Marivan
 - 6- Meaning System
 - 7- Inter subjectivity

جامعه درباره آن اهمیت دارد و ضرورتی علمی تلقی می‌شود. همان‌گونه که گفته شد، اولین جنبه از اهمیت مطالعه حاضر این است که خانواده به‌مثابه دیر پاترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی اثرگذار، همواره در کانون توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است. «زندگی خانوادگی و حضور فرد در متن و بطن خانواده از مهم‌ترین ویژگی‌های منحصربه‌فرد حیات اجتماعی و انسانی است» (برناردز، ۱۳۸۴: ۱۶) که «افراد را به ساخت اجتماعی بزرگ‌تر متصل و کارکرد تعادل‌بخشی را ایفا می‌کند» (گود، ۱۳۵۲: ۱۶) تا جایی که می‌توان گفت «هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون برخوردارگی از خانواده سالم در سلامت باشد» (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۱) در این میان، آن‌چه بیش‌تر اهمیت دارد، این است که خانواده بیش‌تر از دیگر نهادهای اجتماعی از دگرگونی و تغییرات جامعه متأثر است و هم‌چنین بر آن اثر می‌گذارد، به‌گونه‌ای که «هر نوع تغییری در جامعه ریشه در خانواده دارد و اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی یا به‌وسیله خانواده محقق شده، یا این‌که جهت‌گیری آن معطوف به خانواده است» (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۳). در مقابل نیز دگرگونی‌های ایجادشده در جامعه، باعث تداوم و بازتولید تغییرات در خانواده می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت فهمیدن جامعه بدون درک آن در تمام ابعاد و پاگردهای عمقی‌اش، به‌ویژه خانواده ناممکن است.

اهمیت و ضرورت دیگر انجام چنین مطالعاتی در حوزه خانواده از آنجاست که هرچند «می‌توان خانواده، ابعاد، ویژگی‌ها، تغییر و تحول آن را از جهات گوناگون بررسی کرد» (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۳)، اما جامعه این تحقیق ازجمله اجتماعی است که هنوز مطالعه علمی در باب ساختارهای اجتماعی آن، به‌ویژه در حوزه خانواده صورت نگرفته است؛ بنابراین شناخت ساختار، ابعاد و هم‌چنین نیروهای مؤثر در ساخت‌یابی و تغییرات آن لازم و ضروری است. از طرف دیگر، ضرورت دارد مطالعاتی در میان جوامع کوچک‌تر با ویژگی‌های فرهنگی متفاوت صورت گیرد تا مشخص شود که آیا تأثیرپذیری خانواده از عناصر تحول‌زا و ساختارشکن، در مقایسه با جوامع بزرگ‌تر به همان شکل صورت گرفته یا موارد متفاوتی در عرصه این تغییرات وجود دارد. اهمیت دیگر، این‌که مطالعه خانواده با استفاده از روش‌های نو در رویکرد کیفی^۱، می‌تواند به نتایج و استدلال‌های نظری و عملی عمیق‌تر منجر شود که در روش‌های کلاسیک و متعارف کمی و پیمایشی میسر نیست، به‌ویژه درباره «جوامعی که هدف، فهمیدن ماهیت تجربه^۲ افراد یا پدیده‌هایی است که درباره آن‌ها اطلاعات کمی وجود دارد» (ازکیا و جاجرمی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

مطالعات داخلی و خارجی متعددی در حوزه خانواده، دگرگونی و تغییرات آن صورت گرفته است. مروری بر مطالعات اخیر در کشورهای دیگر بیان‌گر آن است که هرکدام به‌نوعی خانواده و ابعاد آن را مورد

1- Qualitative Approach
2- Experiment

تحلیل جامعه‌شناختی تفسیر مردم از تغییرات جهان زیست خانواده (مطالعه موردی ...

بررسی قراردادده‌اند. برای نمونه محققانی نظیر مک‌دونالد^۱ (۲۰۰۶)، سلتزر^۲ و همکاران (۲۰۰۵)، تورنتون^۳ و همکاران (۲۰۰۴)، لسته‌هاق^۴ و سورکین^۵ (۲۰۰۲)، لسته‌هاق (۱۹۸۳) به مطالعه تغییرات و دگرگونی در نظام خانواده معاصر و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر پارادایم توسعه و نوسازی پرداخته‌اند. همچنین می‌توان به تغییرات خانواده و تعادل جدید نقش‌های خانوادگی در بستر نوسازی در سیبری (میکووا^۶، ۲۰۰۷)، تأثیر نوسازی بر ساختار خانواده پدرمکانی در ویتنام (هیرشمن و ماین^۷، ۲۰۰۲)، تأثیر نوسازی و عوامل فرهنگی سنتی بر زمان ازدواج در سریلانکا (مالهوترا و تسوی^۸، ۱۹۹۶)، پیامدهای نوسازی مانند شهرنشینی، گسترش آموزش و تحقیقات بر مشارکت زنان در بخش مدرن اقتصاد مالزی (جونز^۹، ۱۹۸۱) و مطالعه تغییرات اجتماعی و قوانین خانواده در چین (بوکسباوم^{۱۰}، ۱۹۷۸) اشاره نمود.

در داخل ایران نیز، بررسی‌های گوناگونی درباره خانواده، ویژگی‌ها، تغییرات و پویایی آن صورت گرفته‌است. در برخی از این مطالعات به تأثیرگذاری عوامل اجتماعی-اقتصادی از جمله عناصر مدرن در شکل‌گیری و تغییرات آن اشاره شده‌است. از جمله می‌توان به مدرنیزاسیون، خانواده و تجربه گذار جمعیت‌شناختی در کردستان (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲)، تجارت مرزی و تفسیر مردم از تغییرات خانواده (قادری و محمدپور، ۱۳۹۲)، پیدایش شکل‌های جدید خانواده (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۱)، ورود عناصر مدرن و پیامدهای آن در مناطق روستایی کردستان ایران (ازکیا و احمدرش، ۱۳۹۱)، زمینه‌های فرزندآوری پایین در کردستان ایران (رضایی، ۱۳۹۰)، مدرن‌گرایی و سرمایه‌اجتماعی خانواده (شکرپیگی، ۱۳۹۰)، تداوم و تغییر خانواده ایرانی در بستر گذار جمعیتی (سرایبی، ۱۳۸۶)، تجربه نوسازی (محمدپور، ۱۳۹۲) (ج) تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای (سیدربیع، ۱۳۷۹)، تغییر ساختار قدرت در خانواده (لاجوردی، ۱۳۷۶)، تغییرات خانواده و تأثیر عوامل ساختاری و ایده‌ای بر آن (عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۷) و خانواده و تغییر آن در ایران (آقاجانیان، ۲۰۰۱) اشاره کرد.

مطالعات خارجی صورت گرفته در حوزه خانواده، همگی بر این تأکید دارند که خانواده در دنیای معاصر تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله عناصر فرآیند مدرن شدن در ویژگی‌ها، ابعاد، ساختار و کارکرد خود تغییرات عمیق و دگرگونی‌های وسیعی را تجربه کرده است. مطالعات داخلی، هرچند بیش‌تر از

- 1- McDonald, P
- 2- Seltzer, J.A
- 3- Thoronton, A
- 4- Lesthaeghe, R
- 5- Surkyn, J
- 6- Mikheeva, A
- 7- Hirshcman, & Minh, N.H
- 8- Malhotra, A. & Tsui, A.O
- 9- Jones, G
- 10- Buxbaum, D.C

رویکرد کمی^۱ و پیمایشی^۲ بهره جسته‌اند، سیمایی نسبتاً روشن از وضعیت خانواده فراهم آورده‌اند و تا حدود زیادی الهام‌بخش تحقیق حاضر بوده‌اند. بر همین اساس مطالعه حاضر از چند نظر از مطالعات پیشین متمایز است: نخست این که با اتخاذ رویکرد تفسیرگرایی، از بسیاری پژوهش‌های پیشین متفاوت است؛ دوم، این بررسی در شهر مریوان در استان کردستان صورت گرفته که دارای ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و گاه جغرافیایی متمایز از نقاط دیگر استان کردستان و ایران است؛ سوم، نوعی الگوی تغییرات بومی - محلی و ابعاد خانواده را بازنمایی و بازسازی می‌کند که زمینه طراحی سیاست‌های توسعه محلی و مدیریت علمی خانواده و تغییرات آن را در جامعه تحت مطالعه فراهم می‌کند.

رویکرد پارادایمی این مطالعه تفسیرگرایی است. «برخلاف روش‌های کمی که از چارچوب نظری^۳ جهت تدوین و آزمون فرضیات استفاده می‌نمایند» (بلکی، ۱۳۸۴: ۱۸۷). از «چارچوب مفهومی^۴ به‌عنوان مجموعه‌ای از ایده‌ها و مفاهیم استفاده می‌شود که محقق در فضای آن کار می‌کند» (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۳۳)، چارچوب مفهومی نقطه شروعی برای بازتاب تحقیق و زمینه آن است و به محقق یاری می‌رساند تا آگاهی و شناخت خود را از موقعیت تحت بررسی به دست آورده و گسترش دهد. در تدوین چارچوب مفهومی، ادبیات نظری، مطالعات پیشین و تجربیات شخصی^۵ محقق اهمیت بسزایی دارد و کارکرد اصلی آن ایجاد پیوند روشن بین ادبیات تحقیق، اهداف و پرسش‌های تحقیق و نقطه ارجاعی برای بحث از ادبیات، روش‌شناسی و تحلیل داده‌هاست. بر همین اساس در چارچوب مفهومی حاضر تلاش بر این است ضمن تشریح پارادایم تفسیرگرایی، آن را با ادبیات و روش‌شناسی تحقیق پیوند داده و یک مدل تحلیلی راهنما برای ادامه تحقیق فراهم سازد.

رویکرد تفسیرگرایی «دربردارنده شماری از نظریه‌های جامعه‌شناختی خاص است که بر سطوح خرد زندگی اجتماعی انسان‌ها تأکید دارند و جوامع را محصول پیامدهای تعاملات اجتماعی خرد می‌دانند» (نیومن، ۱۳۹۲: ۱۸۳). این انگاره انسان را موجودی فعال، خلاق و معنا ساز تعریف می‌کند که پیوسته در حال ساخت و ساز و معنادار کردن زندگی اجتماعی و واقعیات اجتماعی روزمره است. در آن بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید می‌شود که واقعیات در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها در خلال زندگی روزمره ساخته و معنادار می‌شوند؛ بنابراین از این دریچه نه تنها نحوه درک و تفسیر انسان‌ها از واقعیت دارای اهمیت است، بلکه اشکال و صورت‌های متعددی نیز دارد؛ بنابراین «ما نه با یک واقعیت واحد و مشخص، بلکه با واقعیت‌های گوناگون روبرو هستیم» (میرزایی، ۱۳۹۵: الف: ۱۲۶-۱۲۷). همچنین این انگاره «به‌جای تمرکز بر بستر و محیط اجتماعی، برای توضیح رفتارهای اجتماعی بر فرهنگ یا همان

1- Quantitative Approach

2- Survey

3- Theoretical Framework

4- Conceptual Framework

5- Personal Experience

ساخت‌وسازهای انسانی، در این فرایند تولیدی، متمرکز است» (ایمان، ۱۳۹۱ الف: ۸۸). به عبارت دیگر مقوله بنیادین و محوری در این پارادایم فرهنگ است و تمامی توضیحات در چارچوب این انگاره ما را به این نکته کلیدی می‌رساند که باید فرهنگ را در مطالعات تفسیری-برساختی کاملاً مدنظر داشت. براساس این رویکرد، فرهنگ نیازمند تفسیر و توصیف^۱ است. تفسیری که متضمن توانایی تشریح و توصیف آن چیزهایی است که محقق در محیط تحت مطالعه دیده و شنیده است. این تفسیر از دیدگاه گیرتر^۲، توصیف ضخیم^۳ نامیده می‌شود. «در بستر چنین توصیف ضخیمی است که تفسیرگرایی به لایه‌های پنهانی تفاسیر و ادراکات جمعی افراد جامعه پی می‌برد» (محمدپور، ۱۳۹۲ ب: ۱۳۲). بر مبنای خلاق بودن و معناسازی انسان و همچنین تأکید بر مقوله فرهنگ در انگاره تفسیرگرایی، چارچوب مفهومی تفسیری تحقیق حاضر به صورت ذیل در قالب سه سطح کنش/تعامل، تفسیر/درک و سطح فرهنگ و همچنین روابط درونی این سه سطح در شکل شماره یک به تصویر کشیده شده است و زمینه تبیین تفسیری^۴ را برای محققان فراهم می‌آورد.

این چارچوب مفهومی حوزه نظری لازم برای درک و تفسیر ویژگی‌ها و خصوصیات خانواده کنونی، در جامعه مورد نظر را در اختیار ما قرار می‌دهد. مدل نشان می‌دهد که در این میدان فرهنگی باید ویژگی، خصوصیات و ساختار خانواده کنونی را پیامد کنش اجتماعی مردمان این جامعه در نظر گرفت که در خود معانی خاصی دارد. این معانی در بطن و متن تعامل‌های اجتماعی آن وجود دارد و نتیجه نیروهای نهادی مختلف موجود در زندگی اجتماعی ساکنین منطقه است؛ مهم‌تر اینکه نتیجه درک، فهم و تفسیر مردم از این نیروهاست. این نیروها ممکن است در مراکز دولتی خاستگاه برنامه‌ریزی شده داشته باشند یا ناشی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی بومی افراد محلی یا درک خلاقانه افراد از آن‌ها باشد. مطالعه نگاه از درون (امیک) خانواده کنونی و ویژگی‌های آن در منطقه تحت مطالعه مستلزم توجه عمیق به مفاهیم حساس^۵، معانی میان ذهنی و معانی پایه‌گذار این ویژگی‌ها و بعضاً تغییرات به وجود آمده است. در این میان باید فهمید کدام تفاسیر، معانی و نیروها کانون ایجاد و برساخت^۶ این نوع از ویژگی‌ها و خصوصیات خانواده در جامعه مربوط است و بیش از هر چیزی محصول و پیامد کدام دسته از نیروهاست؛ آیا به غیر از نیروها و عوامل متعارفی که تاکنون برای تکوین این پدیده در دوره کنونی مطرح است، دلایل و معانی بومی خاصی را نیز می‌توان در تفاسیر مردم یافت که برخاسته از وضعیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این میدان فرهنگی باشد؟

-
- 1- Description
 - 2- Clifford Geertz
 - 3- Thick Description
 - 4- Interpretive Explanation
 - 5- Sensetizing Concepts
 - 6- Construct

الگوی ارائه شده، الگوی علی نیست بلکه الگویی مفهومی است که به هیچ وجه هدف آن قراردادن خصوصیات و ویژگی‌های خانواده کنونی به منزله متغیر وابسته نیست که نتیجه و پیامد متغیرهای مستقل باشد تا براساس آن آزمون صورت بگیرد و یا اساساً الگوآزمایی شود، بلکه در راستای هدف بنیادین این تحقیق، هدف نشان دادن ابعاد تفسیری و برساختی ویژگی‌های خانواده نوین و کنونی در سطح مفهومی است و اینکه پدیده مذکور چگونه در زندگی اجتماعی و تجربه روزانه ما (فرهنگ) جریان دارد. بر این اساس در این پژوهش سعی شده است با این رویکرد به درک معنایی خانواده کنونی و ویژگی‌های آن در شهر مریوان از نقطه نظر بومی^۱ ساکنان آن پرداخته شود تا روشن گردد که ساکنین این منطقه چه درکی از این خصوصیات و ویژگی‌ها دارند و همچنین چه عواملی را در برساخته شدن این ابعاد دخیل دانسته و پیامدهای آن را چگونه درک و تفسیر می‌کنند.

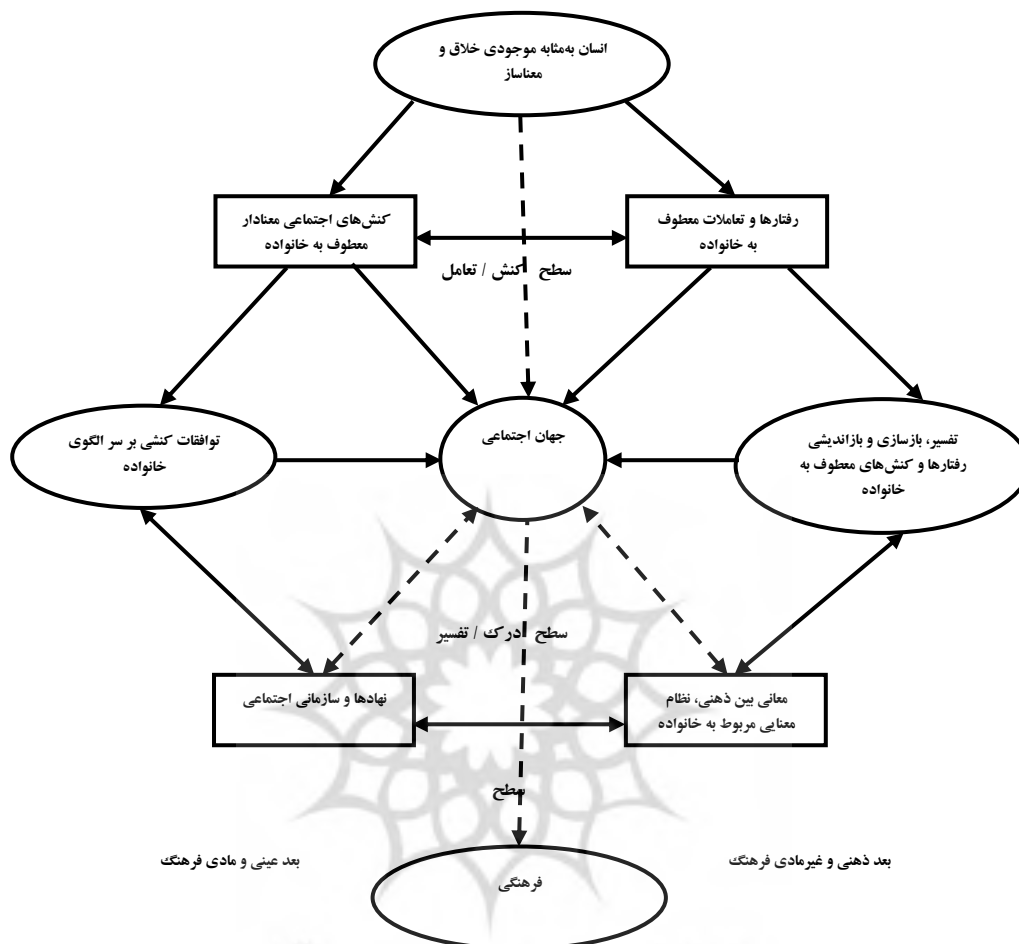
در باره میدان و زمینه‌ی تحقیق، شهرستان مریوان، در غرب استان کردستان و در هم‌جواری با کشور عراق واقع شده است. جمعیت این شهرستان، براساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۹۵۲۶۲ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهرستان شامل ۳ شهر، ۶ دهستان و ۱۵۳ آبادی دارای سکنه است. کوهستانی بودن منطقه، بارش‌های مناسب سالانه، پوشش جنگلی این منطقه و دریاچه آب شیرین زریبار^۲، ویژگی‌های مناسبی را در این منطقه فراهم کرده است. معیشت بیشتر مردم، مبتنی بر دامداری، غالباً از نوع سنتی، کشاورزی خرده‌پا و سطحی، باغداری کم‌سطح، تجارت مرزی، کولبری، فعالیت‌های خدماتی و کارمندی است. معیشت مردم این منطقه ترکیبی از معیشت سنتی و مدرن است. در فاصله ۱۶ کیلومتری غرب شهر مریوان، مرز رسمی و بین‌المللی باشماق^۳ قرار دارد که در حال حاضر فعالیت‌های رسمی و تجارت بین‌المللی در آن جریان دارد و محل ترانزیت کالا به کشورهای عراق، ترکیه و ... است. از لحاظ مذهبی اکثر ساکنین این منطقه مسلمان و سنی شافعی هستند. امروزه، در این منطقه تغییر و تحولات ناشی از ظهور عناصر مدرن در بخش‌های گوناگون به وضوح مشاهده می‌شود. مجموعه این عوامل منجر به پیدایش تعاملات متفاوت و متمایز با گذشته در میان کنشگران این جامعه شده است.

1- Native Point of View

2- Zrebar

3- Bashmaq

تحلیل جامعه‌شناختی تفسیر مردم از تغییرات جهان زیست خانواده (مطالعه موردی ...)



شکل (۱): مدل مفهومی تفسیری - بر ساختی خانواده

روش

به تبعیت از موضع روش‌شناسی پارادایم تفسیرگرایی، در این تحقیق، روش‌شناسی کیفی انتخاب شده‌است. در این رویکرد «هدف محقق رسیدن به بازسازی درک، معنا و تفسیری است که دیگران درباره جهان دارند.» (کرسول، ۱۳۹۱: ۲۱)؛ زیرا این رویکرد معتقد است که واقعیت براساس درک ذهنی انسان‌ها ساخته می‌شود. از روش قوم‌نگاری^۱ برای گردآوری داده‌های تحقیق استفاده شده‌است که در آن، داده‌ها با کمک تکنیک مصاحبه باز یا بی‌ساخت^۲ و مشاهده مشارکتی^۳ (ارتباط و تعامل مستمر با مردم

-
- 1- Ethnography
 - 2- UnStructured Interview
 - 3- Participant Observation

تحت مطالعه) جمع‌آوری شده‌اند. مردم‌نگاری با رویکرد پارادایمیک تفسیرگرایی اجتماعی متناسب است که «شکلی از بررسی اجتماعی بوده که بر شیوه درک و تفسیر مردم از جهانی که در آن زندگی می‌کنند، تأکید دارد و به آنچه مردم انجام می‌دهند، می‌پردازد» (سیلورمن، ۱۳۹۳: ۱۶۰)، علاوه بر آن، استفاده از این روش، «درک و فهم فرآیندهای اجتماعی در بستر بومی آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند» (محمدی، ۱۳۹۰: ۹۵). در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، جهت ارائه نظریه داده‌محور از نظریه زمینه‌ای^۱ استفاده شده‌است که هدف آن دستیابی به نظریه‌ای مبتنی بر شواهد برآمده از میدان فرهنگی مطالعه و کشف نظریه‌ای جدید است. به پیروی از روش‌های کیفی، از نمونه‌گیری هدفمند^۲ و نظری^۳ استفاده شده‌است. در نمونه‌گیری هدفمند محقق به دنبال آن دسته از افرادی می‌رود که در زمینه‌ی موضوع تحقیق از اطلاعات و آگاهی بیش‌تری برخوردار باشد که «این افراد را اصطلاحاً مطلع^۴ یا دروازه‌بان^۵ می‌نامند» (نیومن، ۱۳۹۰: ۳۶۲) و در آن «تناسب داشتن افراد با موضوع پژوهش است که افراد را تعیین می‌کند نه معرف بودن آن‌ها» (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۳۸). هم‌چنین به پیروی از نیومن^۶ که معتقد است «این افراد (پاسخگویان) باید دارای ذهن غیرتحلیلی باشند، یا با زبان بومی^۷ میدان فرهنگی تحقیق صحبت کنند و به‌نوعی دارای دانش عامیانه باشند» (نیومن، ۱۳۹۰: ۳۷۳)، مشارکت‌کننده‌ها^۸ انتخاب شدند. این افراد غالباً زنان و مردان ۵۰ ساله و بالاتر بودند؛ چراکه این افراد شاهد تغییرات و دگرگونی‌های ایجادشده متأخر در خانواده و تکوین ویژگی‌های جدید در آن بودند. هم‌چنین از لحاظ زمانی ورود عناصر مدرن و نحوه تأثیرگذاری آن در گستره جهان زیست خانواده را تجربه کرده و از این‌رو دارای اطلاعاتی در این زمینه بودند.

از نمونه‌گیری نظری در فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه زمینه‌ای استفاده شده‌است. «این نوع نمونه‌گیری براساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند و تا زمانی که تمام مقوله‌ها به اشباع نظری^۹ برسند ادامه می‌یابد» (میرزایی، ۱۳۹۵: ب: ۲۴۷). اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که «محقق به این نتیجه برسد در یک مرحله از جمع‌آوری داده‌ها، شباهت مفاهیم به‌دست‌آمده زیاد است و مفاهیم جدید ظهور نمی‌یابند» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۲۳۰). در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و مصاحبه با ۳۴ نفر از مطلعان محلی، اشباع نظری حاصل شد، اما جهت اطمینان بیش‌تر با ۴۲

-
- 1- Grounded Theory
 - 2- purposive Sampling
 - 3- Theoretical Sampling
 - 4- Informant
 - 5- Gatekeeper
 - 6- Lawrence Neuman
 - 7- Native language
 - 8- participant
 - 9- Theoretical Saturation

نفر از این افراد مصاحبه صورت‌گرفت. در خاتمه مفاهیم^۱ و مقولات^۲ به‌دست‌آمده در باب هر یک از سؤالات با برخی از مشارکت‌کنندگان کنترل و اعتبار این یافته‌ها از طریق «روش اعتبار اعضاء»^۳ (محمدپور، ۱۳۹۲ ب: ۱۹۷) بررسی و تأیید شد.

در فرآیند مفهوم‌سازی^۴ پژوهش حاضر از روش نظریه زمینه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نموده‌ایم که «هدف آن ایجاد یک نظریه جدید و داده محور مبتنی بر داده‌های تجربی و شواهد حاصل از زمینه» (نیومن، ۱۳۹۲: ۳۵۸) با «انجام منطقی مجموعه‌ای از فرایندهای معین براساس دیدگاه بسیاری از مشارکت‌کنندگان است» (ایمان، ۱۳۹۱ ب: ۶۹). در فرآیند ساخت نظریه زمینه‌ای این تحقیق، اطلاعات جمع‌آوری شده را به مفاهیم کدگذاری^۵ شده تبدیل نموده و در بافتار فرآیندی به هم متصل نمودیم. در این فرآیند به تبعیت از استراوس و کوربین^۶، کدبندی باز^۷، کدبندی محوری^۸ و کدبندی انتخابی^۹ صورت گرفت که براساس آن‌ها «نظریه زمینه‌ای، رویه‌ای برای مفهوم‌بندی داده‌ها (کدبندی باز)، مقوله‌بندی و ارتباط دادن مقولات (کدبندی محوری)، ساخت خط داستان^{۱۰} که مقولات را به یکدیگر مرتبط می‌کند (کدبندی انتخابی) و پایان بخشیدن به آن با مجموعه‌ای از قضایای^{۱۱} نظری یا همان مدل پارادایمی^{۱۲} است» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۲۱ و ۱۶۵). در کدگذاری باز، داده‌های مربوط به مصاحبه‌ها را بررسی و به‌دقت نام‌گذاری و مقوله‌بندی نمودیم. در کدگذاری محوری داده‌هایی که در کدبندی باز به‌صورت پراکنده جمع‌آوری شده بودند، در قالب مقولات و خوشه‌های مرتبط و منظم سازمان داده شدند. بعد از این مرحله «مقولات عمده براساس ابعاد شریطی یا بستری^{۱۳}، تعاملی یا فرآیندی^{۱۴} و پیامدی^{۱۵} دسته‌بندی شده و در یک خط داستان به یکدیگر متصل شدند» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۶۴) که زمینه را برای کدگذاری انتخابی و استخراج مقوله هسته^{۱۶} را فراهم نمودند. کدگذاری انتخابی

- 1- Concepts
- 2 - Categories
- 3- Member Validation
- 4- Conceptualization
- 5- Coding
- 6- Anselm Strauss & Barney Glaser
- 7- Open Coding
- 8- Axial Coding
- 9- Selective Coding
- 10- Story Line
- 11- Proposition
- 12- Paradigm Model
- 13- Conditional & Contextual
- 14- Interactional & Process
- 15- Consequential
- 16- Core Category

آخرین مرحله کدگذاری بود که در آن «مقوله‌های پیدا شده اصلی در مقوله جدیدی که در سطح انتزاعی‌تری قرار دارد یکپارچه می‌شوند و مهم‌ترین مضمون پژوهش که ساخت نظریه زمینه‌ای است، ظهور پیدا می‌کند» (محمدپور، ۱۳۹۲ الف: ۳۴۰)، که در این مرحله نظریه برساخت یافته از میدان تدوین گردید.

یافته‌ها

با استفاده از فرآیندهای محوری نظریه زمینه‌ای و با اجرای کدگذاری باز، محوری و گزینشی ابعاد تحت بررسی خانواده کنونی در شهر مریوان به صورت ماتریس مفاهیم و مقوله‌ها تقلیل پیدا کرد که در جدول ۱ آمده است. در این جدول مراحل مختلف کدبندی تا رسیدن به مقوله هسته به تصویر کشیده شده است. همچنین ارتباط بین مقولات - خط داستان - براساس ابعاد سه‌گانه شرایطی، تعاملی و پیامدی برساخت خانواده کنونی در جامعه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول (۱): ماتریس مفاهیم، خرده‌مقولات و مقولات عمده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی و پیامدی

مفاهیم	مقولات جزء	بند مقولات عمده جزء	مقولات عمده	بعد مقوله عمده	مقوله هسته
خانواده در حال گذار	خانواده نوپسند	شهرنشینی، ورود دولت، تکنولوژی، بهبود وضعیت معیشت، گسترش بهداشت، مجاری ارتباطی، آموزش مدرن، رسانه‌ها.	ورود عناصر نوسازی	شرایطی	شرایطی
		بهداشت مدرن، الگوبرداری از رسانه‌ها، آموزش دختران، استقبال از تغییرات، ارتباطات غیرمحلی.	پذیرش	تعاملی	پیامدی
		اتکا به خود، استقلال مالی، خانواده هسته‌ای.	نمایات فردگرایانه	تعاملی	
		الگوهای همسرگزینی، گرایش به تقارن در تعاملات خانوادگی، الگوبرداری غیربومی، تحدید روابط خویشاوندی.	تغییرات ارزشی	تعاملی	
		بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان، افزایش سطح آگاهی، تکریم فرزندان، بهبود سطح معیشت خانواده.	ارتقای اجتماعی - اقتصادی	تعاملی	
تعداد مفاهیم و مقولات	۲۴	۵	۲	۱	۱

همان‌گونه که در جدول ۱ اشاره شده است، در کدگذاری باز سطح اول ۲۴ مفهوم اولیه استخراج شده است که این تعداد در کدگذاری باز سطح دوم به ۵ مفهوم تقلیل پیدا کرد. سپس این مفاهیم به ۳ مقوله عمده تبدیل شدند. این مقولات براساس ارتباط معنایی، در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله محوری هسته استخراج شد. در پایان در یک الگوی تلفیقی، هم‌گرا و دارای سطح انتزاعی بالاتر، مقولات عمده و محوری ترکیب شدند و بر سؤالات اصلی پژوهش تمرکز شد. مفاهیم و مقولات آمده در جدول ۱، بیانگر ایده‌ها، نگرش‌ها و معانی است که ساکنین مریوان در رابطه با ویژگی‌های ساختار خانواده کنونی درک و بیان نموده‌اند.

ورود عناصر نوسازی؛ همان‌گونه که در طرح مسئله بیان شد، یکی از سؤالات اصلی تحقیق، این بود که افراد جامعه مورد مطالعه تکوین ویژگی‌های کنونی خانواده را ناشی از چه عوامل و نیروهایی می‌دانند و آن را چگونه درک، تفسیر و ارزیابی می‌نمایند. در پاسخ به این سؤال یک سری از عوامل از سوی پاسخگویان مطرح شد که در قالب مفاهیم مختلف و یک مقوله تجسم‌یافته و تا حدود زیادی تفسیر و درک آنان از عوامل و نیروهای برساننده این ویژگی‌ها را روشن نمودند. اهمیت این مفاهیم در این است که این عوامل از زبان کسانی بیان شده‌است که تجربه زیسته این تأثیرات را داشته و عملاً ورود و ظهور این عوامل را در طول زندگی خود تجربه نموده‌اند. مطلعان محلی درباره این که چه عواملی در ظهور ویژگی‌های خانواده کنونی، در شهر مریوان مؤثر بوده‌اند، به مواردی مثل شهرنشینی، ورود دولت، تکنولوژی، بهبود وضعیت معیشت مردم، گسترش بهداشت، گسترش مجاری ارتباطی، آموزش مدرن، و رسانه‌ها اشاره کرده‌اند که مجموعه این مفاهیم (جدول ۱) زیر عنوان مقوله «ورود عناصر نوسازی» قرار گرفته‌اند. از دیدگاه آنان، ورود این عناصر به جامعه سنتی مریوان، به‌مثابه پدیده‌ای بیرونی، بسیاری از مناسبات و تعاملات اجتماعی در حوزه خانواده و خویشاوندی را تحت تأثیر قرار داده و خانواده تغییرات متعددی را در سطوح و ابعاد مختلف خود تجربه نموده است. در زمینه‌ی مفهوم «گسترش شهرنشینی» یکی از مشارکت‌کننده‌ها اظهار داشت:

«مردم خیلی راحت هستند، زندگی خانواده‌ها در شهر راحت‌تر شده است. زندگی آن دوران مشکل بود. شهر زندگی را نسبت به گذشته راحت‌تر کرده‌است. هرچند راضی هستیم، اما خوب زندگی اینجا مشکلات و عیب‌هایی دارد. زندگی شهری محبت و روابط خانواده‌ها را کم کرده‌است. وقتی افراد اینجا به پول می‌چسبند دیگر با دیگران رابطه‌شان کم می‌شود. در شهر زندگی به‌سادگی قدیم‌ها نیست»

فرد دیگری درباره استفاده از «رسانه‌ها» گفت:

«تلویزیون، ماهواره، گوشی و این‌ها، مردم را سرگرم نموده‌است. سرگرمی مردم زیاد شده‌است. همگی دارند. یارو نان شب ندارد، اما ماهواره و وای‌فای دارد. اینترنت و گوشی دارد. خانواده‌ها در تلویزیون، در ماهواره خیلی چیزها را می‌بینند که خود را با آن مقایسه می‌کنند. خوب، دیگر این باعث تغییر خانواده می‌شود. خانواده‌ها را عوض می‌کند»

و یا این که یکی دیگر از ساکنان محلی که ۶۷ سال سن داشت، درباره اهمیت و گسترش بهداشت در جامعه خود می‌گوید:

«امروزه مردم خیلی آگاه هستند. در گذشته زنان بچه زیادی به دنیا می‌آوردند، امروزه این‌طور نیست. وسایل بهداشتی و پیشگیری، جمعیت خانواده را کم کرده‌است. پدر و مادر من هفت فرزند به دنیا آورده‌اند، الآن مردم بچه زیادی نمی‌آورند و اگر تصمیم به بچه‌دار شدن بگیرند، دو تا و نهایتاً سه تا می‌آورند. مردم به دکترها توجه می‌کنند. حرف آن‌ها را گوش می‌دهند»

نکته قابل تأمل این است که فرآیند ورود و ظهور نوسازی در این جامعه یک شبه اتفاق نیفتاده است. «نظریه پردازان نوسازی معتقدند که عناصر نوسازی از طریق تراوش به جوامع توسعه یافته ورود پیدا می‌کند» (از کیا، ۱۳۹۳: ۴۶). در این جامعه نیز، با توجه به تاریخ اجتماعی، ورود و ظهور عناصر نوسازی به تدریج اتفاق افتاده است. تحت تأثیر این فرآیند و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن، مردم این جامعه درگیر تعامل‌هایی شده‌اند، تعاملاتی که متفاوت از گذشته بوده و ویژگی‌های متمایزی را برای خانواده و نظام خویشاوندی در این جامعه فراهم نموده است. «پذیرش»، «تمایلات فردگرایانه»، «تغییرات ارزشی» و «ارتقای اجتماعی - اقتصادی» از جمله این تعاملات است.

پذیرش؛ براساس نظرات افراد محلی جامعه مورد بررسی، ورود عناصر نوسازی به منزله عوامل شرایطی، تعامل‌هایی را به وجود آورده است. برای نمونه با توجه به جدول ۱، «بهداشت مدرن»، «الگوبرداری از رسانه‌ها»، «آموزش دختران»، «استقبال از تغییرات» و «گسترش ارتباطات غیرمحملی» از جمله این تعاملات است که زیر عنوان مقوله‌ی جزء «پذیرش» به آن اشاره شده است. مردم این جامعه به دلیل مشکلاتی که در گذشته تجربه نموده‌اند، اظهار کردند که «دوره جدید» امکانات و شرایطی را در اختیار آنان قرار داده که در بهبود وضعیت زندگی خانوادگی آنان در دوره کنونی تا حدود زیادی مؤثر بوده است. آنان از تغییرات ایجاد شده در زندگی خود، اظهار رضایت می‌کنند و درک مثبتی، مبتنی بر «پذیرش» از آن دارند. یکی از مشارکت‌کنندگان در رابطه با «استقبال و پذیرش بهداشت مدرن» در زندگی اجتماعی خود می‌گوید:

«قبلاً اگر کسی مریض می‌شد، آن را به سر مزار پیر و مشایخ می‌بردند. از داروهای سنتی استفاده می‌کرد. حالا شاید افرادی هم باشند، اما خیلی کم هستند. حتی اگر خانواده‌ای بچه‌دار نمی‌شد به قبرستان‌های متبرک می‌رفتند. امروز دکتر خوب هست، دارو هست. مطمئن هم هستی که نتیجه می‌گیری و خوب می‌شوی. آن رسوم و عادات در این روزگار باقی نمانده است»

یکی دیگر از زنان مورد مصاحبه در رابطه با «استقبال از تغییرات» گفت:

«این امکانات تازه زندگی را بسیار راحت نموده است. لباس شویی کار زنان را آسان کرده است. ظرف شویی هست، تلویزیون هست. زنان مثل گذشته خسته نمی‌شوند. راحت‌تر هستند و بهتر می‌توانند فرزندان خود را تربیت کنند»

تمایلات فردگرایانه؛ مقوله «تمایلات فردگرایانه» در فضای کنشی نظام خانوادگی و خویشاوندی به این معنی است که افراد این جامعه از ویژگی‌هایی برخوردار شده‌اند که در آن بر نقش و اهمیت فرد، بیش‌تر از گذشته تأکید می‌شود. مردم مریوان معتقدند که میزان و تراکم روابط اجتماعی و تعاملی در جامعه و خانواده کنونی آنان تحت تأثیر بعضی از عناصر نوسازی نسبت به گذشته کاهش یافته و تا

حدودی محدود شده است. به عبارت دیگر آنان اظهار نموده‌اند که گرایش به کنش‌های معطوف به فرد، در جامعه‌ی آنان و در روابط نظام خانوادگی، نسبت به گذشته افزایش یافته است. آنان بیان نمودند که «اتکا به خود»، «استقلال مالی» و «خانواده هسته‌ای» از پیامدهای تعامل با این عناصر است. مجموعه این مفاهیم زیر عنوان مقوله «تمایلات فردگرایانه» قرار گرفته است. در رابطه با گرایش به فرم «خانواده هسته‌ای» در میان ساکنان این جامعه، فردی اظهار نمود که:

«امروزه، پسر که زن می‌گیرد، از خانواده جدا می‌شود. حتی قبل از ازدواج با آن قرار می‌گذارند. زوج تازه عروسی ابداً مثل قدیم، سر خانه نمی‌روند. او خودش کاسب می‌کند و زندگی خود را می‌چرخاند. زنان هم زندگی مستقل می‌خواهند. در گذشته مجبور بودیم. جدا نمی‌شدیم و واقعاً ناچار بودیم»
و یا فرد دیگری درباره «استقلال مالی» معتقد بود:

«مثل قدیم نیست که هر وقت پدر و مادر خواست، پسر زن بگیرد یا دختر شوهر کند. این شرایط در کار نیست. الان شرایط جامعه طوری است که باید خانه داشته باشی، ماشین داشته باشی، مهم‌تر از همه سربازی رفته باشی. این‌ها جبر جامعه است. اگر چیزهای لازم برای دنیای امروز نداشته باشی، نمی‌توانی خانواده تشکیل دهی».

تغییرات ارزشی؛ «تغییرات ارزشی» دربرگیرنده این فضای مفهومی است که در دوران کنونی، در این جامعه نوعی دگرگونی در نظام ارزش‌ها و گرایش‌ها اتفاق افتاده است. این مقوله با توجه به جدول ۱، دربرگیرنده مفاهیمی از قبیل: «الگوهای همسرگزینی»، «گرایش به تقارن در تعاملات خانوادگی»، «الگوبرداری غیربومی» و «تحدید روابط خویشاوندی» است. این چهار مفهوم با همدیگر نوعی از دگرگونی و رهایی و گسست از ساختارهای سنتی این جهان اجتماعی در سطح فردی و خانوادگی است. این ویژگی یکی از وجوه تغییرات خانواده، هم‌زمان با حضور نوسازی در این جامعه است. یکی از مطلعان درباره «تحدید روابط خویشاوندی» می‌گوید:

«روابط فامیلی و هم رابطه مردم، مثل قدیم نمانده است. آن دوران بدون تعارف به خانه اقوام و فامیل سر می‌زدی، بدون این که به کسی خبر بدهی. اصلاً مثل خانه خود آدم بود؛ اما امروزه مگر دعوت باشی و گرنه اصلاً نمی‌شود بدون خبر دادن یا تلفن کردن به قوم و فامیل سر بزنی»
فردی دیگر در رابطه با «تغییر الگوی انتخاب همسر» می‌گوید:

«تو نمی‌توانی با اجبار و زور دخترت را شوهر دهی یا برای پسرت زن بگیری. می‌بینیم که آن‌ها خود برای خود انتخاب می‌کنند و بعداً به پدر و مادر خود خبر می‌دهند. پدر و مادر واقعاً در انتخاب زن یا شوهر برای فرزندان‌شان نقشی آن‌چنان ندارند، یا زیاد دخالت نمی‌کنند».

ارتقای اجتماعی - اقتصادی؛ درک و ارزیابی ساکنان بومی این جامعه از «افزایش سطح آگاهی»، «توجه به فرزندان»، «بهبود سطح معیشت خانواده» و «بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی»

زنان زیر مقوله‌ی «ارتقای اجتماعی - اقتصادی» آمده‌است. این مقوله بیانگر این‌است که وضعیت زندگی افراد و خانواده‌ها نسبت به گذشته بهبود یافته‌است. آنان عقیده‌دارند که تغییرات اجتماعی - اقتصادی در نتیجه ورود نوسازی به اجتماع و اقتصاد سنتی آنان صورت گرفته‌است که این امر به نوبه خود در دگرگونی نظام خانواده و خویشاوندی مؤثر بوده‌است. به عبارت دیگر پیامدهای این تغییرات به مثابه «ارتقای اجتماعی - اقتصادی» متأثر از زمینه‌ها و بسترهای نوین بوده، که در پیدایش صورت جدیدی از خانواده و بر ساخت ویژگی‌های متمایز با صورت‌های قدیمی آن، مؤثر بوده‌است. در خلال مصاحبه‌ها و گفتگوها حول مقوله ارتقای اجتماعی - اقتصادی، این نکته برای ما آشکار شد که بهبود این شرایط، جایگاه مهمی در تفاسیر مردم و همچنین ایجاد تغییر در فرم زندگی خانوادگی آن‌ها دارد؛ یعنی مطلعین محلی آن را به عنوان مشخصه‌های بهبودیافتگی زندگی خود درک و تفسیر کردند. یکی از این افراد درباره «ارتقای سطح آگاهی» مردم این جامعه می‌گوید:

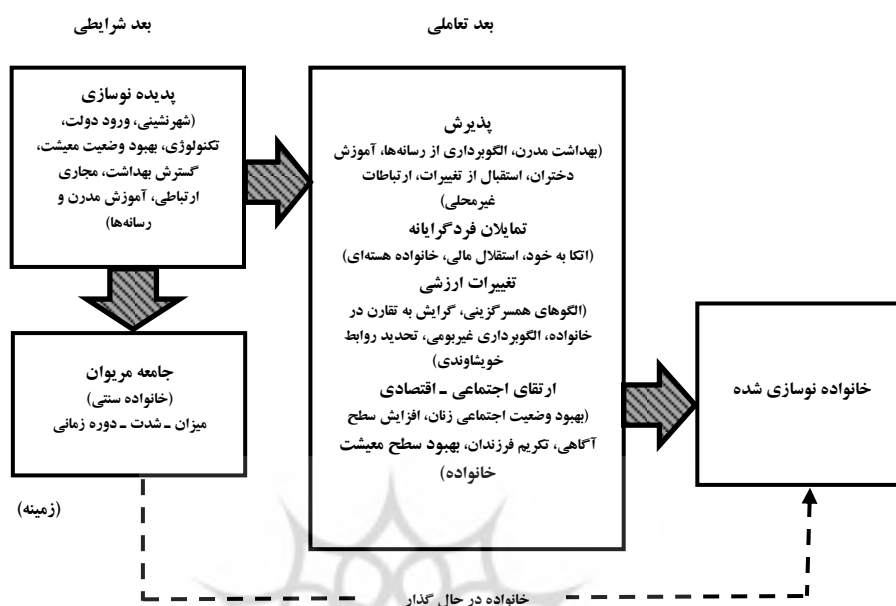
«در آن زمان ملای آبادی یا مالکان سواد داشتند، اما نه همه آنان. مدرسه نبود، معلم نبود، امکانات نبود. الان اکثر مردم باسواد هستند. خانواده‌ها از دوروبر سر درمی‌آورند. همه آگاه شده‌اند.»

یا یکی دیگر در ارتباط با «بهبود سطح معیشت خانواده‌ها» گفت:

«کار و کسابت زیاداست. درست است که جمعیت زیاداست، اما کاسبی هم وجود دارد. الحمدالله این مرز و کولبری یک نعمت است. در این چند سال نگذاشته کسی بیکار باشد. همین ماشین‌هایی که به مرز می‌آیند و می‌روند، برای مردم خیلی خوباست. درآمد خانواده‌ها نسبت به قدیم خیلی بهتر شده‌است. آن دوران ما می‌دانیم شرایط چقدر سخت بود.»

خانواده نوسازی شده؛ با توجه به مقوله‌های عمده نهایی (هسته) که در جدول ۱ مورد اشاره قرار گرفته‌اند، می‌توان مقوله «خانواده در حال گذار» را به عنوان مقوله هسته و نهایی انتخاب کرد. مقوله مذکور از سایر مقولات سطوح پایین‌تر، انتزاعی‌تر و فراگیرتر است و بیانگر نوعی تغییر در خانواده و در جامعه مورد مطالعه ما یعنی شهر مریوان است. براساس این مقوله مردم مریوان با درک و تفسیر تغییرات ایجاد شده در خانواده و نظام خویشاوندی خود، این گذار را به عنوان پدیده‌ای درک می‌کنند که در اثر آن نوع جدیدی از خانواده با ویژگی‌ها و مختصات متمایز از نوع گذشته آن جانشین شده و یا در حال جانشینی است. آن‌ها می‌دانند که خانواده جدید تحت تأثیر چه عواملی قرار گرفته و استقرار پیدا کرده است و همچنین از ابعاد، ویژگی‌ها و مشخصه‌های آن آگاهی دارند و «این همان تفسیری است که تفسیرگرایی اجتماعی بر آن تأکید دارد» (محمدپور ۱۳۹۲ الف، ۱۳۵). براساس آنچه در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد، در مدل موجود در شکل ۱، با تکیه بر تفسیر و درک مردم مریوان و داده‌های موجود در جدول ۱ ارتباط بین مقولات - خط داستان - براساس سه بعد شرایطی، تعاملی و پیامدی به تصویر کشیده است.

تحلیل جامعه‌شناختی تفسیر مردم از تغییرات جهان زیست خانواده (مطالعه موردی ...)



شکل (۲): مدل زمینه‌ای درک خانواده در دوران کنونی به‌مثابه خانواده نوسازی‌شده

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های مهم نهاد خانواده در چند دهه‌ی اخیر در ایران و به‌تبعیت از آن در مریوان، تغییرات ایجادشده در سطح کارکردی و نهادی آن که متأثر از تغییرات ایجادشده در ابعاد نهادی آن جامعه است. در جریان ورود عناصر مدرن و تجربه‌ی پدیده‌ها از طریق برنامه‌های نوسازی در ابعاد گوناگون از قبیل حمل‌ونقل شهرنشینی، ارتباطات، آموزش مدرن، نظام‌های ارزشی و صنعتی و ماشینی شدن خانواده‌ها تحت تأثیرپذیری از این نیروها به‌نوعی دچار تغییرات و تحولاتی گردید. پدیده‌ی تغییرات اجتماعی خانواده کم اتفاق افتاده و در حال تجربه شدن است به شکلی مستقیم و غیرمستقیم متأثر از نیروهای معنایی و ارزشی درون لایه‌های گوناگون جامعه است. به‌عبارتی‌دیگر بر اساس دیدگاه‌های نظری موجود، این تغییرات در درون ارزش‌ها، هنجارها و نظام باورداشته‌های این جامعه شکل گرفته، تفسیر شده و مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد؛ با توجه به مقولات عمده در جدول شماره ۱ و توضیحات ارائه‌شده فوق، می‌توان گفت مقوله «خانواده نوسازی شده» به‌مثابه مقوله هسته، مفهومی است که می‌تواند کلیه مقولات و مباحث فوق را پوشش دهد و هم‌چنین جنبه تحلیلی داشته‌باشد. درک و تفسیر تغییرات ایجادشده و بر ساخت ویژگی‌های نوینی از خانواده به‌مثابه «خانواده نوسازی شده» در جامعه مورد بررسی، در قالب یک مدل پارادایمیک در شکل شماره ۲ آمده است. در این الگو مقوله‌های هفت‌گانه براساس سه بعد شرایطی، تعاملی/ فرآیندی و پیامدی، پیامدهای خط سیر شکل‌گیری مؤلفه‌های خانواده

کنونی را از دیدگاه ساکنان بومی این جامعه روایت می‌کند. درک پیامدهای تغییرات زیست جهان خانواده، متأثر از مجموعه‌ای شرایط و بسترها بوده است که در نتیجه آن تعاملات و فرآیندهای خاصی حاصل شده است. بر مبنای مقوله هسته (خانواده نوسازی شده) که خود برگرفته و انتزاع یافته از سایر مقولات عمده است، مردم مریوان بر این باورند، تغییرات و دگرگونی‌های ایجادشده در نظام خانواده آنان در راستای تکوین ویژگی‌های متفاوت و متمایز با خانواده سنتی و قدیمی‌تر آنان است. همان‌طور که در مدل پارادایمیک این تحقیق نشان داده شده است و پیش‌تر به صورت ضمنی در بخش میدان مطالعه ذکر شد، وجود یک سری از شرایط و بسترها که عمده‌تاً بیرونی بودند، باعث ایجاد دگرگونی‌هایی در شرایط زندگی اجتماعی و اقتصادی مردمان این منطقه شدند. این شرایط از نظر مردم منطقه در زیرمجموعه مقوله عمده «پدیده نوسازی» آمده است.

زمانی که از پاسخگویان محلی در مورد وضعیت و ویژگی‌های خانواده کنونی و منابع مؤثر بر پیدایش آن سؤال شد، آنان بر این باور بودند که ساختار خانواده امروزی درگیر دگرگونی‌های متعددی گردیده و تغییرات زیادی را تجربه کرده است. شرایطی که از نظر آنان به ایجاد و بر ساخت چنین ساختار جدیدی منتهی شده است را می‌توان در عواملی از قبیل؛ شهرنشینی، ورود دولت، گسترش استفاده از تکنولوژی، بهبود وضعیت معیشت مردم، گسترش بهداشت، استفاده از مجاری ارتباطی، آموزش مدرن و استفاده از رسانه‌ها. شرایط مذکور باعث شده است که نظام خانواده در این جامعه از «پذیرش» وضعیت جدید استقبال نموده و بنابراین سبب «بهبود ارتقای اجتماعی - اقتصادی» آن شود و در نتیجه شکل و صورت جدید و مدرن‌تری از خانواده را پدید آورد که «هسته‌ای» بوده و در نتیجه آن «اتکا به خود» و «دارای استقلال مالی» باشد. تحت تأثیر شرایط و تعاملات مذکور با «تغییرات ارزشی» نیز روبرو شده است؛ که در طی آن تغییراتی در الگوهای همسرگزینی اتفاق افتاده، تقارن در تعاملات خانوادگی ایجادشده و تا حدودی روابط خویشاوندی افراد تحدید شده است. مجموعه این شرایط و تعاملات مرتبط با آن، باعث بر ساخت «خانواده نوسازی شده» شده است. مقوله‌ای که پیامد و نتیجه آن شرایط و تعاملات بوده و مبین ساختار کنونی خانواده از دیدگاه ساکنان شهر مریوان می‌باشد، این نوع از خانواده در هم‌زیستی با عناصر مدرن که در طی فرایندی تقریباً طولانی مدت وارد این جامعه شده است، هم‌زیستی داشته و در نتیجه آن، دگرگونی‌هایی را تجربه نموده و صورت امروزی پیدا کرده است. از جمله ویژگی‌های این نوع از خانواده این است که ساختار و کارکرد آن با صورت‌های گذشته‌ی خود متفاوت است و در بسیاری از ابعاد تغییرات متعددی را تجربه نموده است. بر این اساس، در الگوی پارادایمیک در شکل ۲، خط سیر داستانی بر ساخت صورت جدید از خانواده تحت عنوان «خانواده نوسازی شده» در میان ذهنیت مردم این جامعه قابل مشاهده است. «خانواده در حال گذار» به عنوان مقوله نهایی، کل فرآیند دگرگونی و ظهور ویژگی‌های جدید و مدرن نظام خانواده در جامعه مریوان را در بر می‌گیرد. بر اساس این مقوله، صورت نو و مدرن نهاد خانواده تا حدود زیادی جانشین شکل‌های قدیمی و سنتی آن گردیده است. در جامعه مریوان این نوع از

خانواده در حال تکوین و استقرار است و با صورت‌های سنتی خود فاصله گرفته و در حال گذار است. مطالعه حاضر با به‌کارگیری رویکرد تفسیرگرایی سعی داشته است که از منظر افراد بومی و درگیر به خاستگاه، فرایند و پیامدهای تغییرات ایجادشده در خانواده و برساخت ویژگی‌های مدرن آن در شهر میروان پردازند. در این راستا با استفاده از روش‌شناسی کیفی و ابزار نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای موقعیتی، خاص، استقرایی و ایدئوگرافیک از درک مردم از تغییرات و تحولات خانواده در این جامعه تولید شد. این نظریه بازتاب ارزیابی و فهم مردم از تغییرات جهان زیست خانواده آنان است.

منابع

- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
- آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر. (۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. مجله جامعه پژوهی فرهنگی. سال سوم، بهار و تابستان، شماره اول: صص ۴۳ - ۷۷.
- آقاجانی مرساء، حسین. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی همسرگزینی. ازدواج و طلاق. تهران: نشر علم.
- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق: کاربرد نظریه بنیانی، تهران: کیهان.
- ازکیا، مصطفی و احمدرش، رشید. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان: بررسی موردی مناطق روستایی موکریان. دوره چهاردهم، شماره ۲: صص ۱ - ۲۴.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران. تهران: نشر اطلاعات.
- استراوس، انسلم و کربین، جولیت. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی: مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه‌ی ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱ الف). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱ ب). روش‌شناسی تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برناردز، جان. (۱۳۸۴). درآمدی بر مطالعات خانواده. ترجمه‌ی حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- رضایی، مهدی. (۱۳۹۰). زمینه‌های فرزندآوری پایین در کردستان ایران (مطالعه موردی: شهر سقر)، پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف و محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). مدرنیزاسیون، خانواده و تجربه گذار جمعیت‌شناختی در کردستان ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۱۶: صص ۱۳۹ - ۱۶۸.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و چهارم، بهار ۱۳۹۹

- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات صداوسیما.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۶). تداوم و تغییر خانواده در بستر گذار جمعیتی. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲: صص ۳۲ - ۶۰.
- سگالن، مارتین. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه‌ی احمد الیاسی. تهران: نشر مرکز.
- سیدربیع، فرید. (۱۳۷۹). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحول خانواده گسترده به هسته‌ای در تاریخ معاصر ایران با تأکید بر نواحی شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
- سیلورمن، دیوید. (۱۳۹۳). روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: جامعه‌شناسان.
- شکرپیگی، عالییه. (۱۳۹۰). مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده: درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران. تهران: جامعه‌شناسان.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبدی، عباس. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران. تهران: نی.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قادری، امید و محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). تجارب مرزی و تفسیر مردم از تغییرات جهان‌زیست خانواده. مجله راهبرد فرهنگ. شماره ۲۲: صص ۶۱ - ۸۴.
- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۱). طرح تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی. ترجمه‌ی دکتر اسماعیل سعدی‌پور. تهران: نشر دوران.
- گود، ویلیام‌جی. (۱۳۵۲). خانواده و جامعه. ترجمه‌ی ویدا ناصحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه‌ی علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب. تهران: نشر علم و ادب.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). چشم‌اندازهای جهانی. ترجمه‌ی محمدرضا جلائی‌پور. تهران: طرح نو.
- لاجوردی، هاله. (۱۳۷۶). ساختار قدرت در خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲ الف). روش تحقیق کیفی: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. جلد اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲ ب). روش تحقیق کیفی: مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. جلد دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲ ج). تجربه نوسازی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

تحلیل جامعه‌شناختی تفسیر مردم از تغییرات جهان زیست خانواده (مطالعه موردی ...

- محمدی، بیوک. (۱۳۹۰). درآمدی بر روش کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی آمار نفوس و مسکن شهرستان مریوان.
- میرزایی، خلیل. (۱۳۹۵ الف). کیفی پژوهی، پژوهش‌گری و پژوهش‌نامه نویسی. جلد اول، تهران: فوژان.
- میرزایی، خلیل. (۱۳۹۵ ب). کیفی پژوهی. پژوهش‌گری و پژوهش‌نامه نویسی. جلد دوم، تهران: فوژان.
- نیومن، ویلیام لارنس. (۱۳۹۰). شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ترجمه‌ی حسین دانایی‌فرد و حسین کاظمی. جلد اول، تهران: مهربان نشر.
- نیومن، ویلیام لارنس. (۱۳۹۲). شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ترجمه‌ی حسین دانایی‌فرد و حسین کاظمی. جلد اول. تهران: مهربان نشر.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۰. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور. تهران: طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- Abbasi-Shavazi, M. J. and P. McDonald. (2007). Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the state, in R. Jayakody, A. Thornton. and W. Axinn (eds.), international Family Change: Ideational perspectives. New York: Taylor & Francis Group, LLC, pp: 177-198.
- Aghajanian, A. (2001). Family and Family Change in Iran, In Charles B. Hennon & Timothy H. Brubker(eds) Diversity in Family: A Global Perspective, New York, Wad Wirth publishing company.
- Buxbaum, D. C. (1978). Chinese Family Law and Social Change, seattle: University of Washington.
- Hirshcnam, C. and N. H. minh. (2002). Tradition and Change in Vietnemes Family Structure in the Red River Delta: Jornal of Marrieage and Family. 64. pp 1063-1079.
- Good, W. (1963). world Revolution and family Patterns, London: Free press of Glencoe.
- Jones, G. (1981). Malay Marriage and Change in Peninsular Malaysia: Three Decades of Change, population and Developmentreview 7(2): pp 255- 278.
- Lesthaeghe, R and j. surkyn. (2002). New Forms of Household Formation in Central and Eastern Europe: Are They Related to Newly Emerging Value Orientations? Interuniversity Papers in Demography, Working Paper. 2002 – 2.
- Lesthaeghe, R. (1983). A century of Demographic and Cultural Change in Western Europe: An Exploration of Underlyng Dimensions, population and Development Review 9(3): pp 414 – 436.
- Malhotra, A, and A. O. Tsui (1996) Marriage Timing in Sri Lanka: The Role of Modern Norms and Ideas, Jornal of Marriage and The Family, 58(2): pp 476 – 490.

- McDonald, P. (2006). Low Fertility and State Policy, population and Development Riview 5(2) pp: 123- 138.
- Mikheeva, A. (2007). Family Change and New Balance of Family Roles: The Case of Siberia, London Routledge Press.
- Seltzar, j. and et al. (2005). Explaining Family Change and variation: Challenges for Family Demographers, jornal of Marriage and Family, 67: pp 908- 925.
- Thoronton, A, G. Binsork and D. Ghimire. (2004). International Networks, Ideas and family Change University of Mishigan, Population Studies Center Report No. 04 – 566.

